



یاد و یادآوران محمدرضا تاجیک

1

رویدادها و بحران‌ها یک نشانه هستند: نشانه‌ای - به بیان کانت - توامان «یادآورنده، نماینده و پیشگویانه». این نشانه نشان می‌دهد که همیشه چنین بوده است (نشانه‌ی یادآورنده)؛ هم اکنون نیز چیزهایی دال بر یک رویداد روی می‌دهد (نشانه‌ی نماینده)؛ و سرانجام، نشان می‌دهد که همیشه نیز چنین خواهد بود (نشانه‌ی پیش‌گویانه). کانت هشدار می‌دهد که نشانه‌ی یادآورنده، نماینده و پیش‌بینی‌کننده را نه در رویدادهای بزرگ، بلکه در رویدادهایی باید جست که بسیار کم‌شکوه‌تر و کم‌نمودتر هستند. از این منظر، این وجه رویداد یا بحران نیست که معنا دارد. آنچه رویدادی را می‌سازد که ارزش یادآورندگی، نمایندگی و پیش‌بینی‌کنندگی دارد. ماجرای خود رویداد نیست؛ نه استعداد شگرف تخریبی آن است و نه اداها و جار و جنجالی که همراه آن است. آنچه معنا دارد شیوه‌ای است که رویداد/بحران با آن یادآورندگی، نمایندگی و پیشگویی خود را به نمایش می‌گذارد و در پیرامونش از سوی مردمانی دریافته می‌شود که در حادث‌شدن آن نقشی نداشته‌اند، اما به آن می‌نگرند، شاهد آنند، در پی آن کشیده می‌شوند و چشمان خود را می‌شورند و به حال و آینده به‌گونه‌ای دیگر می‌نگرند و برای زیست در میان رویدادها و بحران‌ها خود را مهیا می‌کنند. پس آنچه بیش از خود رویداد و بحران اهمیت دارد استعداد نهفته آن در همین یاد و یادآوری است.

2

رویدادها/بحران‌ها نوری هستند که به ره ما فرود می‌آیند - ره‌نشانه‌هایی در مسیر گذر و گذار تاریخی ما - اگر بدانیم که به چه می‌خوانندمان. اما اگر ندانیم و نپرسیم، یا بر این خیال شویم که شاید خطایی پا به ره ما نهاده است، نخواهیم دانست که شب‌های تاریک و موج‌های سهمیگین و گرداب‌های حایل لب درگاه حال و آینده‌ی ماست، نخواهیم دانست که رویدادها/بحران‌ها تنها نقش و رنگ آرایش تاریخ نیستند، و نخواهیم توانست در حافظه‌ی رویداد بخوانیم این سخن: «به شما گفته و باز می‌گویم، پشت این رویداد، رویدادی است گران، پشت آن هم رویدادی دگر. پشت آن رویداد دگر، دریایی ست. قایقی باید ساخت.» امروز، جامعه‌ی ما با پدیده‌ای

رخدادگون (پدیده‌ای غیرقابل پیش‌بینی که از هیچ‌کجا و همه‌کجا می‌آید) مواجه است. در گستره‌ی این مواجهه آن‌چه به‌نمایش درآمده، نشانه‌ها و ره‌نشانه‌هایی هستند که تدبیرگران و اهالی منزل ما در مسیر تاریخی خود ندیدند و از کنارشان - بی‌آن‌که از گوهر یادآورندگی، نمایندگی و پیشگویی آنان نصیبی ببرند - سهل و بی‌خیال گذشتند. لذا امروز حال و احوال تدبیرگران ما مثل حال و حالت شکاری می‌ماند که از شکارچی خود ایده و تصویر و تعریفی ندارد و تنها از رهگذر تجربه‌ی تمامیت و کلیت ناشناخته‌ی شکارچی می‌تواند شناختی نسبت بدان حاصل کند. آشکار است که چنین شرایطی، به تعبیر دریدا، شرایط فقدان تصمیم و تدبیر است، شرایط قفل‌شدن کلیدهاست، شرایط انفعال و وانهادگی است، شرایط تعلیق و تخریب است، شرایط دیدن‌های ناجور و کنش/واکنش‌های ناجور است، شرایط من بدو، آهو بدو است. می‌دانم که پدیده‌ی کرونا در نوع خود واقعا یک رخداد است، اما همان‌گونه که گفتم مهم رخداد و رخدادها نیستند، بلکه پیام و درسی است که به ما می‌دهند و ما را در مسیر پیشرفت و حوادث و رویدادها را موضوع اراده‌ی معطوف به آگاهی و تدبیر درخور و بهنگام قرار می‌دهند.